

انوار وحی در خطبه‌ی زهرا پهلوای کلمه در اجزای بهار

سید علیرضا جعفری

فهرست

- مقدمه
- استدلالها به آیات قرآن
- اقتباسها از آیات
- جملات ناظر به آیات

مقدمه

پیوند قرآن و عترت بر اساس حدیث متواتر ثقلین، پیوندی عمیق و جاودانه است، که صد البته ادراک مقامات بلند غیبی، معنوی و عرفانی آنها اگر ممتنع نباشد برای فهم ما فوق طاقت و بسیار مشکل می‌باشد [۱]؛ در حقیقت، آنان دریای ژرفاند که به عمق ناپیدایشان راهی نیست. در این میان، عصمت کبرا، حضرت زهرا (س) ویژگیهای بخصوصی دارد:

فضل زهرا را بشر کی می‌توان احصا کند

قطره را قدرت نباشد وصف از دریا کند

روح متعالی و بلند او که «از ادراک آن حیران شود عقول» جبرئیل (ع) را تنزل داد و پایین آورد، [۲] و در آن ایام سخت و دشوار، جبرئیل (ع)، مسائل و حوادث پیش رو تا بر پایی قیامت را به اطلاع آن دردانه پیامبر (ص) رساند و امیرمؤمنان (ع)، آنها را نگاشت و بدین ترتیب صحیفه فاطمه (س) شکل گرفت:

جمله اسرار «ما اوحی» در اوست

علم کل انبیا پیدا در اوست

که از امامی به امام بعدی سپرده می‌شد:

وارث آن مصحف عالی مقام

بعد زهرا نیست کس غیر از امام

و اینک نیز در دست مبارک حجت بر حق الهی، آن صدف دریای رحمت رحمانی «علیه السلام و عجل الله تعالی فرجه» قرار یافته است. آری، سابقه نداشته است که جبرئیل (ع) جز با طبقه اول از انبیای عظام: این چنین آمد و شدهای مکرر با کسی داشته باشد، و این همان فضیلت بزرگی است که عارف بزرگ قرن ما خمینی کبیر (ق س) آن را بالاترین فضیلت برای حضرت فاطمه زهرا (س) می دانستند. [۲].

آن بانوی مقدس و مطهر در زمینه های مختلف، جملات ژرف و زیبایی به کام تشنگان حکمت و حقیقت جاری ساخته اند که محور برخی از سخنان آن وجود نازنین را می توان در این بخشها خلاصه کرد: عرفانی - تربیتی و مسائل خانواده (تلاش و کار در منزل، همراهی با همسر در تحمل مشکلات و سختیهای زندگی، ساده زیستی و پرهیز از تجملات و...)، حقوقی (حق زن، حق همسایه، حق کارگر، حق میهمان و...)، اجتماعی (عفاف و حجاب برای بانوان و...)، اقتصادی، دفاع از ولایت و سیاستهای پدر و شوهر خویش (اعتراض به اقدامات خلیفه اول و دوم، طرح قضیه فدک و اعتراض شدید نسبت به غصب آن از طرف حکومت به عنوان بهانه ای برای ریشه کن کردن انحراف عظیمی که در خلافت رسول خدا (ص) پیش آمده بود، بیان فضائل و مناقب علی مرتضی (ع) و نکوهش مخالفان وی، نقل احادیثی از پدر در شان ولایتش وی فرموده بود مانند حدیث غدیر و منزلت، وصایا و سفارشات در آخرین لحظات عمر خویش مبنی بر دفن شبانه و تحریم شرکت خلفای اول و دوم در مراسم نماز بر وی و دفن ایشان و...)، فقهی (برخی از احکام باب طهارت، حج، ارث، قضاء و...) آن پرورده صبر و رضا با بیانات فصیح و بلیغ نسیمی جان فزا در پیکر فسرندگان راه، وزان کرده است و گاه نیز برای بیان افکار بلند خویش از شعر استفاده نموده اند. اشعاری که به ایشان منسوب است به بیش از ۷۰ بیت می رسد که عمدتاً در موضوعاتی نظیر: فضائل علی

بن ابی طالب (ع) و اطاعت از وی، اینارگری، غم جانکاه و جگرسوز شهادت پدر (ص)، خبر از شهادت و آرزوی

مرگ، تنهایی امیرالمؤمنین (ع) می‌باشند. [۴].

ما در این مقاله در پی آنیم تا با نیم نگاهی به یکی از خطبه‌های آن جگرگوشه رسول خدا (ص) میزان استفاده وی از آیات قرآن را نظاره کنیم، تا سرمشقی برای دلدادگان آن بانوی دو سرا، به ویژه خواهران و دختران ما باشد که در گفتار و کردار خویش هر چه بیشتر با قرآن عزیز انس گیرند، و شاهد انوار وحی از لبان کوثر باشند.

خطبه مورد نظر در این مقال همان خطبه فدکیه است که آن جوهر صدق و صفا در میان جمعی از زنان بنی‌هاشم

در مسجد پیامبر (ص) از پشت پرده در حضور مردم ایراد کرد. این سخنرانی شیوا و خطبه گرا، در کتب معتبر

ثبت گشته است. [۵] و شیعیان مخلص از دیرباز آن خطبه با ارزش را نسل اندر نسل حفظ و به فرزندان خویش

تعلیم می‌دادند، امید آنکه مسؤولین برنامه‌ریزی در امور فرهنگی ما نیز با تدوین برنامه‌های اصولی و حساب‌شده

در مقاطع مختلف تحصیلی و علمی به این امر مهم عنایت بیشتری مبذول دارند.

به هر ترتیب ما کلام کوثر در این سخنرانی پرشور را به ۴ دسته تقسیم کرده‌ایم:

دسته اول: استدلالها به آیات قرآن

دسته دوم: اقتباسها از آیات. [۶].

- دسته سوم: جملات ناظر به آیات.

- دسته چهارم: کلمات حکیمانه.

توضیح آنکه: در دسته اول آیاتی که حضرت (س) برای اثبات ارث بردن خویش از رسول خدا (ص) بدانها تمسک و

استدلال نموده است را آورده‌ایم و در دسته دوم جملاتی که اقتباس از آیه‌های قرآن می‌باشد، آورده شده که خود

به دو گروه تقسیم شده‌اند: الف - اقتباسهای بدون تغییر. ب - اقتباسهای همراه با تغییر.

و اما در دسته سوم نیز به جملاتی از خطبه نظر داریم که ناظر به آیات قرآن می‌باشند. به دیگر عبارت آنکه: مفاد این دسته از جملات با توجه به قرائنی مانند: همسانی فعل یا یکی از متعلقاتش و یا... با همتای خود در آیات، نظر به آیات مزبور دارد. و بالاخره در دسته چهارم نیز جملات حکیمانه آن آفتاب چرخ عصمت (س) جای دارد که پرداختن به آنها خارج از محور بحث ما در این مقاله است.

در این خطبه جذاب بسیاری از فنون مختلف و صنایع گوناگون ادبی و آرایه‌های لفظی و معنوی استفاده شده است. و البته برای آنان که حتی مقدار اندکی معرفت نسبت به خاندان عصمت و طهارت (ع) داشته باشند جای هیچگونه تعجبی نخواهد بود، چرا که آن خاندان همگی اهل حکمت و فصاحت بوده‌اند و اینها همه نمی‌است از یم بیکران آن انوار تابناک الهی. همان اشباح نوری که قرن‌ها پیش از خلقت دنیا در جوار عرش رحمان عز و جل به تسبیح، تحمید، تقدیس و تمجید الهی مشغول بودند [۷] و سجده بر آدم «علی نبینا و آله و علیه السلام» نیز به خاطر وجود این انوار پاک در صلب وی بوده است.

اینک نوبت پرداختن به اصل بحث است که چنانکه گذشت، ما جملات کریمانه این خطبه با عظمت را به چند دسته تقسیم کرده‌ایم که تفصیل آن چنین است:

[۱] برگرفته از بیانات حضرت امام خمینی، صحیفه نور ج ۱۹: ص ۲۷۸، انتشارات سازمان مدارک.

[۲] برگرفته از بیانات حضرت امام خمینی، صحیفه نور ج ۱۹: ص ۲۷۸، انتشارات سازمان مدارک.

[۳] صحیفه نور ج ۱۹: ص ۲۷۹.

[۴] برای نمونه ر. ک. مناقب ابن شهر آشوب: ۲۴۲، انتشارات علامه - قم؛ احقاق الحق (که از کتب اهل سنت نقل

کرده است) ۱۰:۴۳۳ و ۱۹:۱۵۹، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی؛ - قم؛ بحار الانوار ۴۳:۱۷۶، المكتبة الاسلامیة - تهران.

[۵] از جمله: بلاغات النساء، تالیف احمد بن ابی طاهر (از علمای اهل سنت در قرن سوم) ص ۲۳؛ علل الشرائع (به ۳

سند) تالیف شیخ صدوق، متوفی: ۳۸۱، ص ۲۴۸، انتشارات داوری - قم؛ الشافی تالیف سید مرتضی، متوفی: ۴۳۶،

ج ۴: ص ۶۸، مؤسسه الصادق (ع) - طهران؛ الاحتجاج تالیف طبرسی، متوفی: ۵۴۸، ص ۶۱، مطبعه مرتضویه -

نجف؛ شرح ابن ابی الحدید (از علمای اهل سنت در قرن هفتم): ج ۱۶ ص ۲۱۱، منشورات مكتبة آية الله المرعشي؛

كشف الغمة تالیف اربلی، متوفی ۶۹۳ (به نقل از کتاب «السقیفة» تالیف ابی بکر احمد بن عبدالعزیز الجوهری)،

ج ۲: ص ۱۰۶، مكتبة بنی هاشمی - تبریز؛ بحار الانوار تالیف علامه مجلسی، متوفی ۱۱۱۱، ج ۲۹ ص ۲۱۵، دارالرضا (ع)

- بیروت.

[۶] طبق نقل اهل لغت، علمای علم بدیع اقتباس را آن می دانند که اندکی از قرآن یا حدیث را در عبارت خود (چه

بصورت نظم و شعر باشد و چه بصورت نثر) بیاوریم و اشاره نکنیم که از قرآن یا حدیث می باشد. و هم ایشان

تصریح کرده اند که تغییر در آن مقدار از قرآن یا حدیث که در عبارت خود آورده ایم اگر چنانچه تغییر مختصری

باشد، اشکال ندارد و جائز می باشد. و این بیت از خاقانی را مثال زده اند:

نقد عمر زاهدان در توبه ازمی شد تلف

قل لهم ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف

که شاعر در این مصراع اخیر قل «للذین کفروا» را به قل «لهم» تغییر داده است (آیه ۳۸ سوره انفال)، مطالب گفته شده در ادبیات فارسی و عربی یکسان است. [اما الاقتباس فهو ان یضمن الکلام - نظما کان او نثرا - شیئا من القرآن او الحدیث لا علی انه منه.. ولا باس بتغییر یسیر فی اللفظ المقتبس.. (مختصر المعانی، تالیف سعد الدین تفتازانی، متوفی: ۷۹۱، ص ۲۲۱، انتشارات مصطفوی)] البته در مورد اینکه فرق بین اقتباس و تضمین چه می باشد، مشهور بدین معتقدند که اقتباس اختصاص به نظم و نثر ندارد ولی تضمین فقط در شعر واقع می شود، اما مخفی نماند که نظریه برخی دیگر از دانشمندان بدیع آن است که صنعت تضمین نیز اختصاص به شعر ندارد، به تحریر التخبیر تالیف ابن ابی الاصبغ متوفی ۶۵۴ هـ، ص ۱۴۰، چاپ مجلس اعلای مصر و همچنین به الفوائد المشوق الی علوم القرآن و علم البیان تالیف ابن جوزی متوفی ۷۵۱ هـ ص ۱۹۵ مراجعه شود.

[۷] اشاره به روایتی در «علل الشرائع: ۲۰۸، انتشارات داوری - قم».

استدلالها به آیات قرآن

در پی اثبات و احقاق حق خویش مبنی بر ارث بردن از پدر خویش (به دیگر اینکه اصولا فرزندان انبیاء نیز از پدران خویش ارث می برند.) به آیات ذیل استدلال کرده اند:

۱ - صدر آیه ۱۶ سوره نمل: «و ورث سلیمان داود..» [حضرت سلیمان از (پدر خویش، حضرت) داود ارث برد.]

۲ - ذیل آیه ۵ و صدر آیه ۶ سوره مریم: «.. فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب..» [حضرت زکریا به خداوند سبحان عرضه داشت: بارالها از جانب خود فرزندی به من عطا کن تا از من و از آل یعقوب ارث ببرد..]

۳ - صدر آیه ۱۱ سوره نساء: «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین...» [خداوند به شما در مورد فرزندانان چنین سفارش و توصیه می کند که برای پسران دو برابر سهم دختران قائل شوید.]

۴ - ذیل آیه ۱۸۰ سوره بقره: «.. ان ترک خیرا الوصیة للوالدین والاقربین بالمعروف حقا علی المتقین» [بر شما واجب گشته، هنگامی که یکی از شما را مرگ در رسد،] اگر چنانچه چیز خوبی (اموال) از خود بجا گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکانش بطور شایسته وصیت کند، این حقی است بر گردن پرهیزکاران (که بایستی از عهده‌اش برآیند).]

دو مورد اول تصریح داشت که فرزندان انبیا از پدران خویش ارث می‌برند و دو مورد اخیر نیز بر اساس شمول و عمومیت آنها نسبت به فرزندان انبیاء در اثبات مطلب دلالتی واضح دارند.

اقتباسها از آیات

گروه اول:

۱ - پس از بیان حکمت برخی از احکام و مسائل دین اسلام در مورد اینکه انسان باید تقوی پیشه کند و حق تقوی را ادا کند و واقعا خداترس گردد و تا دم مرگ و آخرین لحظه عمرش اسلام خود را حفظ نماید قسمتی از آیه ۱۰۱ سوره آل عمران را اقتباس کرده‌اند: «(ف)- اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون.»

۲ - خشیت عبارت است از خوفی که همراه با درک عظمت حق «جل و علی» و صفات جلالیه او باشد و این جز با ترک گناه حاصل نخواهد شد، پس گنهکار نمی‌تواند ادعا کند که از خدا خشیت دارد و فقط آگاهان از مقام ربوبی دارای چنین صفتی می‌باشند (که مصداق کامل آن علی (ع) می‌باشد)، «انما یخشی الله من عباده العلماء» قسمتی از آیه ۲۸ سوره فاطر می‌باشد که حضرت آن را اقتباس فرموده‌اند.

۳ - در مورد معرفی خویش می‌فرماید من دختر همان پیامبری هستم که از جنس خود شما بود و رنج و گرفتاری شما برایش سخت و نگران کننده بود و بر هدایت نمودن شما اصرار داشت و امیدوار بود و اصولاً نسبت به مؤمنین رافت داشت و به آنها مهربانی می‌کرد. که این فرمایش اقتباس است از آیه ۱۲۸ سوره توبه: «لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم».

۴ - برای یادآوری وضعیت ناشایست اعراب قبل از اسلام و اینکه همواره در پی جنگ و خونریزی‌های بی‌هدف و ناشی از هواهای نفسانی بودند و در واقع در لبه پر تگاه و سقوط در آتش جهنم بودند قسمتی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران را اقتباس کرده‌اند: «.. و كنتم على شفا حفرة من النار...»

۵ - در ادامه توصیف مردم و ویژگیهای آنان قبل از اسلام در مورد نداشتن امنیت می‌فرماید شما در آن دوران ترس این را داشتید که مبادا شما را بربایند. که این فرمایش اقتباس از قسمتی از آیه ۲۶ سوره انفال می‌باشد: «.. تخافون ان يتخطفكم الناس...»

۶ - در بیان نجات مردم بواسطه بعثت وجود نازنین پیامبر اکرم (ص) قسمتی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران را اقتباس کرده و می‌فرمایند: «.. فانقذكم...»

۷ - در مورد اینکه پدر بزرگوارشان برای تبلیغ اسلام هر رنجی را بر خود خریدند و همواره با فتنه‌انگیزی و آتش افروزی مخالفان روبرو می‌گشتند ولی به مدد غیبی الهی آن فتنه‌ها سرکوب می‌شد و حضرت به راه خویش ادامه می‌دادند، از قسمتی از آیه ۶۴ سوره مائده اقتباس کرده‌اند: «.. كلما او قدوا نارا للحرب اطفأها الله...»

۸ - در پی توبیخ مردم نادان که دنبال هواها و آرزوهای فانی خود رفتند و حق را رها نمودند و مساله سقیفه و غضب خلافت را پیش آوردند و اینکه در گناه و فتنه واقع گشتند و در واقع هم اکنون جهنم آنها را احاطه کرده و

در قیامت هم این احاطه تجلی خواهد یافت و تا ابد در آتش سوزان دوزخ خواهند ماند، قسمتی از آیه ۴۹ سوره

توبه را اقتباس کرده‌اند: «.. الا فی الفتنه سقطوا و ان جهنم لمحیطه بالكافرین»

۹ - در ادامه توبیخ ستمکاران که بجای پیروی از احکام قرآن بدنبال هوسهای فانی دنیوی خویش شتافتند و جای

گزین بدی بجای تبعیت از احکام قرآن برگزیدند، ذیل آیه ۵۰ سوره کهف را اقتباس کرده‌اند: «.. بئس للظالمین

بدلا»

۱۰ - در ادامه سرزنش آنان که از دین فاصله گرفتند می‌فرماید آن کسی که غیر از اسلام (و تسلیم محض در برابر

خداوند) دینی دیگر برای خویش انتخاب کند از او پذیرفته نگردد و در آخرت نیز از زبان کاران خواهد بود، این

فرمایش اقتباسی است از آیه ۸۵ سوره آل عمران: «و من یتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من

الخاصرین»

۱۱ - پس از رد اعتقاد حاکمان غاصب مبنی بر عدم ارث بردن فرزندان انبیاء از پدران خود، می‌فرماید: آیا (با وجود

احکام نورانی اسلام) باز هم سراغ احکام جاهلیت می‌روید. و اصولا کدام حکم از حکم خدا برای آنان که اهل یقین

می‌باشند بهتر و نیکوتر است؟ این فرمایش اقتباس است از آیه ۵۰ سوره مائده: «افحکم الجاهلیة یتغون ومن

احسن من الله حکما لقوم یوقنون»

۱۲ - در مورد تهدید ظالمین و اینکه برای وعیدهای الهی زمانی مشخص وجود دارد و ستمکاران بالاخره به عذاب

دچار خواهند شد، می‌فرمایند: هر خبر و وعیدی که پیامبران از جانب خدا داده‌اند وقت معینی دارد. که این

فرمایش اقتباس است از صدر آیه ۶۷ سوره انعام: «لکل نباء مستقر..»

۱۳ - در ادامه تهدید به عذابهای الهی می‌فرمایند: بزودی خواهید دانست که کدام یک از ما یا شما دچار عذاب

ذلت بار شده و عذاب همیشگی و جاودان دامن گیرش خواهد گشت. این فرمایش اقتباسی است از آیه ۳۹ سوره

هود: «فسوف تعلمون من یاتیه عذاب یخزیه و یحل علیه عذاب مقیم» [۱].

۱۴ - در مورد اینکه مرگ برای پدر گرامیشان همچون انبیای سابق قضای حتمی بوده است می‌فرماید: محمد (ص)

جز پیامبری (از جانب خدا) نیست که پیش از او نیز پیامبرانی بوده‌اند (که از

این جهان خاکی رخت بر بسته‌اند) اگر او نیز بمیرد یا به شهادت برسد، آیا دوباره به دین و مرام جاهلیت باز خواهید

گشت؟ هر کس که عقب‌گرد کند و مرتد شود به خدا ضرر نرسانده و البته خداوند، آنها را که در دین ثابت قدم

ماندند و راه ارتداد را پیش نگرفتند نیز پاداش شکرگزاریشان را خواهد داد. این جملات اقتباسی است از آیه ۱۴۴

سوره آل عمران: «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب

علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین.»

۱۵ - پس از خطاب به مردم و طلب کمک و یاری از آنان برای احقاق حق، آنان را تشویق می‌کند و می‌خواهد با

برانگیختن غیرت آنها ترس از جو حاکم را از وجودشان بشوید لذا از آیه ۱۳ سوره توبه اقتباس کرده و می‌فرمایند:

«الا تقاتلون قوما نکتوا ایمانهم و هموا باخراج الرسول و هم بدؤکم اول مره اتخسونهم فالله احق ان تخشوه ان

کنتم مؤمنین» [آیا با آنان که عهد شکنی کرده و بر اخراج پیامبر (از مکه) اهتمام ورزیدند، پیکار نمی‌کنید؟ و

حال آنکه آنها بودند که نخستین بار (دشمنی و پیکار با شما را) آغاز کردند، آیا از آنان می‌ترسید؟ با آنکه خداوند

سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن می‌باشید.]

۱۶ - پس از اظهار یاس و ناامیدی از یاری مردم، می‌فرماید: اگر شما و تمام آنانکه روی زمین زندگی می‌کنند

همگی کافر شوید (به خدا زیان نمی‌رسانید) که خدا از همگان بی‌نیاز است و ستوده. این فرمایش اقتباسی است از

قسمتی از آیه ۸ سوره ابراهیم: «.. ان تکفروا انتم و من فی الارض جمیعا فان الله لغنی حمید» ۱۷ - در توصیف آتش قهر الهی که در انتظار غاصبین خلافت می‌باشد می‌فرماید: آتش برافروخته الهی است که (درون انسان را پیش از جسم و ظاهر وی شعله‌ور می‌سازد و) از دلها سر می‌زند. این فرمایش اقتباسی است از آیه ۶ و ۷ سوره همزه: «نار الله الموقدة التي تطلع علی الافئدة»

۱۸ - در ادامه تهدید مجرمان زمان خویش ذیل آیه ۲۲۷ سوره شعراء را اقتباس کرده‌اند: «و سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون» آنان که ظلم و ستم روا داشتند بزودی خواهند دانست که به چه کیفر گاهی (در دوزخ) بازگشت می‌کنند. [۱۹ - در ادامه تهدید داعیان باطل خلافت می‌فرماید: شما منتظر جزای اعمال (پست) خود باشید ما هم در انتظار نتیجه و پاداش اعمال خود می‌باشیم. این فرمایش اقتباسی است از آیه ۱۲۲ سوره هود: «وانتظروا انا منتظرون.»

۲۰ - در مقابل طفره رفتن غاصبان حکومت و عدم پذیرش حق ذیل آیه ۱۸ سوره یوسف را اقتباس کرده‌اند: «.. بل سولت لکم انفسکم امرا فصبر جمیل و الله المستعان علی ما تصفون» حضرت یعقوب در برابر دروغ‌گویی برادران یوسف که گفتند: «یوسف را گرگ درید و این پیراهن خون‌آلود اوست» فرمود: بلکه این کار زشت را هوسهای نفسانی شما در نظرتان زیبا جلوه داده و آراسته نموده است. (و البته من در برابر این حادثه) صبری جمیل و زیبا پیشه می‌سازم (و بردباری همراه با شکر در درگاه الهی از خود نشان خواهم داد) و از خدا (نیز) در مقابل آنچه شما اظهار می‌دارید، یاری می‌طلبم. [

۲۱ - در مورد قیامت و رسوایی ستمکاران و اهل باطل که به حق اهل بیت: ظلم و ستم روا داشتند ذیل آیه ۷۸ سوره غافر را اقتباس کرده‌اند: «.. و خسر هنا لک المبطون»

گروه دوم

۱ - در بیان اهتمام و کوششهای طاقت فرسای پدر عزیزش در راه تبلیغ دین اسلام و انذار مردم از عذاب الهی

قسمتی از آیه ۹۴ سوره حجر: «فاصدع بما تؤمر...» را اقتباس کرده و فرموده‌اند: «.. صا دعا بالندارۃ».

۲ - در ادامه توصیف پیامبر اکرم (ص) صدر آیه ۱۲۵ سوره نحل: «ادع الی سبیل ربک بالحکمۃ والموعظۃ الحسنۃ»

را اقتباس کرده و فرموده‌اند: «.. داعیا الی سبیل ربه بالحکمۃ والموعظۃ الحسنۃ» [.. مردم را به راه پروردگارش

فراخوان بود و روش او در این کار حکمت (و برهان) و موعظه نیکو بود].

۳ - در هم شکسته شدن هیمنه بت پرستان و از هم گسیختگی آنان به دست توانای پیامبر اسلام (ص) را با

استفاده از اقتباس آیه ۴۵ سوره قمر: «سیهزم الجمع و یولون الدبر» بیان کرده و فرموده‌اند: «(حتی) هزم (انهمزم)

الجمع و ولوا الدبر.»

۴ - در توصیف حالت مردم تن پرور زمان خویش می‌فرماید: در حالیکه پیامبر (ص) و علی (ع) در دوران سختی و

فشارهای همه جانبه از سوی دشمنان برای پیشبرد اهداف مقدس اسلام از خود گذشتگی می‌نمودند و آسایش را

از خود سلب کرده بودند، شما دنبال رفاه و عیش و نوش خویش بودید و این مطالب را با یک کلمه «فاکهون» افاده

کرده‌اند که اقتباسی است از آیه ۲۷ سوره دخان: «(و نعمۃ کانوا فیها) فاکهین.»

۵ - پس از بیان زحمات و رنجهای امیرالمؤمنین (ع) در راه اسلام و سرزنش مردم منافق صفت بخاطر راحت طلبی

و رفاه زدگی آنان به یاد ایشان می‌آورد که شما در آن دوران سخت و کمرشکن همواره منتظر آن بودید که حوادث

دردناکی (مانند شهادت پیامبر (ص)) برای ما پیش آید تا شما به اهداف خود برسید: «.. تتربصون بنا الدوائر». این

فرمایش اقتباسی است از قسمتی از آیه ۹۸ سوره توبه: «.. و یتربص بکم الدوائر..»

۶ - پس از توییح و سرزنش ابوبکر که مدعی بود: «چون زهرا (س) فرزند پیامبر است لذا نمی‌تواند از پدرش ارث

ببرد»، می‌فرماید: آیا در کتاب خدا آمده که تو از پدرت ارث ببری اما من از پدرم ارث نبرم؟ اگر چنین نسبتی به

کتاب خدا بدهی: لقد جئت شیئا فریا [کار بسیار زشت و عجیبی مرتکب شده‌ای]. این فرمایش اکتباسی است از

ذیل آیه ۲۷ سوره مریم: «.. لقد جئت شیئا فریا».

۷ - برای تهدید غاصبان خلافت رسول خدا (ص) ذیل آیه ۲۷ سوره جائیه: «.. یوم تقوم الساعة یومئذ یخسر المبتلون» را اکتباس کرده و فرموده‌اند: «و عند الساعة یخسر المبتلون» [هنگام قیامت اهل باطل به خسران و زیان خویش واقف می‌شوند].

۸ - انذار پیامبر (ص) نسبت به عذابهای الهی را یکی از اوصاف پدر خویش برشمرده و از ذیل آیه ۴۶ سوره سبا: «ان هو الا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» اکتباس کرده و فرموده‌اند: «انا ابنه نذیر لکم بین یدی عذاب شدید» [من دختر همان بیم دهنده شما در برابر عذاب شدید الهی هستم (آن چنان عذابی که گویی پیش روی شماست، چرا که قیامت نزدیک است)].

۹ - در مورد عدم عمل به قرآن و پشت سر انداختن احکام آن توسط حکومت جور زمان خویش می‌فرماید: «و نبذتموه وراء ظهورکم» که اکتباسی است از قسمتی از آیه ۱۸۷ سوره آل عمران: «.. فنبدوه وراء ظهورهم..».

۱۰ - پس از سرزنش مردم به جهت عدم همراهی آنان در راه احقاق حق اهل بیت: که سبب آن عدم درک حقیقت قرآن و آن نیز معلول تیرگی قلب و دل آنان بواسطه جهل و نفاق بود می‌فرمایند: «افلا تتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها؟» که اکتباسی است از آیه ۲۴ سوره محمد: «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها؟».

۱۱ - در ادامه سرزنش مردمان تیره‌دل از آیه ۱۴ سوره مطفین: «کلا بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون» اکتباس کرده و فرموده‌اند: کلا بل ران علی قلوبکم ما اساتم من اعمالکم [.. چنین نیست، بلکه ظلمت ظلم و تیرگی اعمال ناشایست شما موجب زنگار قلبهایتان گشته (و از این روی است که قرآن را نمی‌فهمید تا بدان عمل کنید)].

۱۲ - در پی توبیخ و بیان علت ارتکاب اعمال مجرمین وقت از قسمتی از آیه ۴۶ سوره انعام: «قل ارايتم ان اخذ الله

سمعکم و ابصارکم..» اقتباس نموده و فرموده‌اند: «.. فاخذ بسمعکم و ابصارکم» [آن زنگار قلب شما باعث شده تا

گوش و چشم های شما کر و کور گردد (و از درک حقیقت باز مانید)].

۱۳ - به دنبال توبیخ و سرزنش مردم دل مرده و غفلت زده از قسمتی از آیه ۲۲ سوره ق: «... فکشفنا عنک

غطاءک..» اقتباس کرده و فرموده‌اند: «.. اذا کشف لکم الغطاء» [هنگامی که بمیرید و پرده غفلت از جلوی

چشمانتان کنار زده شود خواهید دانست که چه عذابهای دردناکی در انتظار بوده است].

۱۴ - در توصیف عذاب شدید الهی در قیامت ذیل آیه ۴۷ سوره زمر: «.. وبدا لهم من الله ما لم یکنوا یحتسبون» را

اقتباس کرده و فرموده‌اند: «و بدا لکم من ربکم ما لم تکنوا تحتسبون.» [در قیامت از جانب خدا برای شما

عذابهایی رو می‌شود که هرگز به ذهن و فکرتان هم خطور نکرده بود].

[۱] این آیه در دو جا عینا آمده است: ۱- ۳۹/هود ۲- ۳۹-۴۰/زمر.

جملات ناظر به آیات

۱ - در مورد حکمت تشریع و وجوب زکات می‌فرماید: «.. والزکاة تزکیة للنفس و نماء فی الرزق» [و (خداوند) زکات

را بدان جهت واجب ساخت تا موجب تزکیه نفس (و پاکی روح از گناهان) گردد و علاوه بر آن باعث زیاد شدن

رزق و روزی شود]. قسمت اول این فرمایش ناظر است به صدر آیه ۱۰۳ سوره توبه: «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم

و تزکیه‌م بها..» و قسمت دوم آن فرمایش ناظر است به ذیل آیه ۳۹ سوره روم: «.. و ما آتیتم من زکوة تریدون وجه

الله فاولئک هم المضعفون.»

۲ - درباره حکمت و جوب اطاعت از اهل بیت عصمت و طهارت: و در باب امامتشان می‌فرماید:.. و طاعتنا نظاما

للملة و امامتنا امانا للفرقة [.. و (خداوند) و جوب اطاعت ما خاندان را وسیله‌ای جهت سامان دادن به ملت و امامت

ما را مانع تفرقه و پراکندگی امت قرار داد.] این فرمایش ناظر است به قسمتی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «و

اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته

اخوانا..» [۱].

۳ - پیرامون حکمت وفای به نذر می‌فرماید: «.. و الوفاء بالنذر تعریضا للمغفرة» [وفای به نذر موجب آن می‌شود که

انسان در معرض مغفرت و آمرزش الهی قرار گیرد (و به پادشاهای بزرگ نائل آید).] این جمله ناظر است به آیاتی

که در باب وفای به نذر در قرآن بدانها اشاره شده، از جمله آیه ۷ به بعد از سوره «هل اتی» که در شأن خود

حضرت زهرا (س) و شوهر و فرزندان عزیزشان (امام حسن (ع) و امام حسین (ع)) نازل شده است: «یوفون

بالنذر.. فوقاهم الله شر ذلک الیوم و لقاهم نضرة و سرورا» [آنها به نذر خود وفا کردند.. بدین جهت است که خدا

نیز آنان را (مورد لطف و عنایت خاص خویش قرار داده) و از شر (و سختی) آن روز (قیامت) محفوظ می‌دارد و آنها

را در حالیکه غرق شادی و سرورند پذیرا می‌گردد.]

۴ - در مورد فلسفه و حکمت نهی از کم فروشی می‌فرماید: «.. و توفیة المکائیل و الموازین تغییرا للبخس»

[فروشنده و مشتری هنگام معامله خود نباید در جنس و بهای آن کم گذارند (که این ظلم است) بلکه بایستی

تماما به یکدیگر تحویل دهند که در غیر اینصورت مبتلا به نقص خواهند گشت (یا در اموال خود در همین دنیا

دچار کمبود می‌گردند یا در فردای قیامت نامه اعمال خود را در حالی که کمبود خیرات دارد مشاهده می‌کنند و یا

هر دو که هم در دنیا و هم در آخرت با کمبود مواجه می‌شوند.) [این فرمایش ناظر است به قسمتی از آیه ۸۵

سوره اعراف: «.. فاوفوا الكيل والميزان و لاتبخسوا الناس اشياءهم..»

۵ - در بیان حکمت نهی از شرابخواری می‌فرماید:.. والنهی عن شرب الخمر تنزیها عن الرجس [شرابخواری بدان جهت تحریم گشته که موجب تنزیه و پاکسازی روح از پلیدی‌ها و گناهان است.] این فرمایش ناظر است به قسمتی از آیه ۹۰ سوره مائده: «یا ایها الذین آمنوا انما الخمر.. رجس.. فاجتنبوه..»

۶ - حکمت نهی از تهمت به زنان پارسا را مبتلا نشدن به لعنت دانسته و می‌فرماید: «.. و قذف المحصنات اجتنابا للعتة.» این فرمایش ناظر است به قسمتی از آیه ۲۳ سوره نور: «ان الذین یرمون المحصنات.. لعنوا..»

۷ - در ضمن شمارش اوصاف و ویژگیهای پدر بزرگوارشان می‌فرماید:.. یجذ الاصنام» .. بتها (این معبودهای چندین هزار ساله جاهلان) را در هم شکست. [این فرمایش ناظر است به قسمتی از آیه ۵۷ و ۵۸ سوره انبیاء که درباره بت‌شکنی حضرت ابراهیم «علی نبینا و آله و علیه السلام» می‌باشد: «و تالله لاکیدن اصنامکم.. فجعلهم جذاذا..»

۸ - پیرامون گمراه شدن مردم و تبعیت آنها از شیطان می‌فرماید: «.. فالفاکم لدعوته مستجیبین» [شیطان] شما را در حالی یافت که لبیک گوی ندایش بودید [این فرمایش ناظر است

به قسمتی از آیه ۲۲ سوره ابراهیم: «و قال الشیطان.. و ما کان لی علیکم من سلطان الا ان دعوتکم فاستجبتم لی..»

۹ - در توصیف و بیان شدت حادثه غمبار و جانسوز ارتحال پدر خویش می‌فرماید: «.. و خشعت الجبال» [و کوهها هم خاشع گشتند.] این فرمایش ناظر است به قسمتی از آیه ۲۱ سوره حشر که در مورد عظمت قرآن است: «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرايته خاشعا..»

در پایان، بار دیگر تذکر این نکته بایسته است که موارد ذکر شده در قالب دسته‌بندی‌های فوق، تنها مربوط به یک سخنرانی حضرت فاطمه زهرا (س) می‌باشد وگرنه با توجه به مقدمه این مقاله، انوار وحی از زلال زندگی کوثر قابل تفکیک نمی‌باشد و به دیگر عبارت قرآن با زهرا (س) عجین گشته است.

[۱] بر اساس احادیث و روایات، مقصود از حبل الله، خاندان پیامبر و ائمه معصومین (ع) می‌باشد (به تفسیر مجمع

البیان و تفسیر عیاشی، ذیل آیه مذکور مراجعه شود) البته در برخی دیگر از روایات و احادیث نیز، مراد از حبل

الله را «قرآن» دانسته که بعید نیست منظور هر دوی آنها باشد.